مجاهد

«وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است»
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال دوم | شماره هشتم | شنبه ۲۲ قوس ۱۳۸۲ | ۱۹ شوال المکرم ۱۴۲٤ - | 13 December 2003

سرمقاله

چرا این همه تعویق در کار تدویر لویه جرگه؟!

ص۲

تاریخ معاصر افغانستان

دریاد داشت های وزیر دربار شاه ایران

ص۳

نماینده های شهر کابل در کنفرانس مطبوعاتی:

انتصاب پنجاه عضو وپراگنده ساختن رأی وکلا، ضد دموکراسی است

به تاریخ ۲۲ قوس در تالار بخارای هوتل بین المللی کابل(کانتیننتال) دیروز۲۱قوس کنفرانس مطبوعاتی به ابتکار نماینده های منتخب شهر کابل دایر گردید.

هدف این کنفرانس مطبوعاتی را آقای منصور، نویسنده وژورنالست معروف کشور که درصدد هیأت رئیسه و در جمع نمایندگان قرار داشت، چنین بیان داشت:

ما نمایندگان منتخب مردم شهر کابل توجه جدی به موارد ذیل را در قانون اساسی در صدر وظایف اعضای محترم شورای عالی، یا لویه جرگهٔ نماینده گان مردم قرار می دهیم تاهنگام تدویر اجلاس بزرگ، آنرا در نظر گیرند:

۱- دین مقدس اسلام نه تنها مایهٔ افتخارات مردم این سرزمین که یگانه عامل وحدت ملی وتضمین انسجام وهم آهنگی در حیات مادی ومعنوی ملت را تشکیل می دهد، بنا برآن باید شریعت اسلام یگانه مصدر قانون گذاری در کشور باشد وقانون اساسی بر آن تاکید جدی داشته باشد.

۲- تامین امنیت سراسری به اشتراک مردم باید در صدر وظایف دولت قرار داده شود وقانون اساسی باید برای تأمین این منظور پیش بینی لازم وعملی داشته باشد.

۳- نوع نظام باید جمهوری پارلمانی باشد. تاقدرت در دست یک فرد متمرکز نبوده. بل در اختیار نمایندگان باصلاحیت مردم قرار گیرد. واین امر بااعمال نظارت توسط پارلمان ممکن می گردد.

در رأس قوای اجرائیه می تواند رئیس جمهور یا صدر اعظم قرار داشته باشد. به شرط آنکه قدرت در دست یک فرد متمرکز نباشد.

۴- ادارهٔ دولتی در کشور باید مرکزی غیر متمرکز باشد. به این معنا که به والی ها باید صلاحیت لازم در امر مربوط ولایات داده شود ونیز شهرداری ها انتخابی بوده وصلاحیت عملی برای خدمت گذاری به مردم باید داشته باشد.

تمام واحدهای اداری از سطح ناحیه تا ریاست جمهوری. همه باید انتخابی باشند تا به این وسیله مردم هرچه گسترده تر در امر سرنوشت خود وامور مربوط به کشورداری به شیوهٔ دموکراتیک سهیم باشند.

۵- شورای [illegible] به منظور نظارت بر تطبیق قانون باید وجود داشته باشد، در این شورا نمایندگان پارلمان وقوهٔ اجرائیه

ص۴


عبدالحفیظ منصور


مولوی عبدالوکیل


دکتر محی الدین مهدی


عبدالشکور واقف حکیمی


شکیبا هاشمی


دکتر عبید الله عبیدی


فضل کریم ایماق


سیر علم بهادر

با فشاری رئیس دولت بر نظام ریاستی، دموکراسی را نفی می کند

ص۲

بمباردهای اشتباه آمیز وخموشی سازمان های حقوق بشر

- آیا کشته شدن خیالی هرملای طالب می تواند به قیمت جان ده هاکودک تمام شود؟!

نورستانی

به روز ۲۰ قوس سخنگوی نیروهای ایالات متحده اعلام نمود که در اثر یک بمبارد اشتباه آمیز دیگر در پکتیا شش کودک ویک مرد ملکی کشته شده اند. این سخنگو گفت که گمان می رفت ملاجیلانی یکی از فرماندهان طالبان در نقطهٔ بمبارد شده موجود باشد.

هفته ها پیش به گمان موجودیت ملاوزیر فرمانده دیگر طالبان، یک منزل مسکونی در غزنی بمبارد شد که ۹کودک ویک مرد ملکی را به شهادت رسانید.

زلمی خلیلزاد نمایندهٔ ویژهٔ ایالات متحده وسفیر آن کشور در افغانستان به تعقیب حادثهٔ غزنی معذرت خواست ووعده سپرد که این گونه حوادث تکرار نخواهد شد؛ اما هنوز مطبوعات گفته های آقای خلیلزاد را به گونهٔ کامل نشر نکرده بود که حادثهٔ پکتیا واقع شد. ص۲


نمایی بیرونی محل برگزاری لویه جرگه

لویه جرگه بار دیگر به تعویق افتاد

به گزارش منابع آگاه وطبق اطلاع رادیو بی. بی. سی در بعد از ظهر ۲۸ قوس: دولت انتقالی افغانستان کارتدویر لویه جرگهٔ قانون اساسی را برای یکروز دیگر به تعویق انداخت.

دلایل مشخص برای اتخاذ این تصمیم تاهنوز ذکرنشده است. اما گفته می شود که ظاهراً دیر رسیدن برخی از وکلا به کابل یکی از دلایل این موضوع بوده است.

دارالانشای قانون اساسی قبلاً گفته بود که سه صدوپنجاه نماینده از ولایات واز جمع مهاجرین در کشورهای همسایه — ایران وپاکستان. به کابل رسیده اند.

جاپان خپلو اتباعوته افغانستان ته په تلو خبرداري ورکړ

جاپان په کندهار کي له یوه بمي چاودني وروسته له خپلو اتباعو څخه غوښتي چي بي له ضرور ته دي افغانستان ته سفر نه کوي او همداراز هغه جاپانیان چي په افغانستان کي اوسي له لازم احتیاط څخه دي کار واخلي.

بلخوا په کابل کي ددغه هیواد سفارت پر تریوالو ګټو باندي دترهګرو له خوا دیود برید خبرداري هم خپور کړي دي او دامنیتي ملحوظاتو له امله یي په دغه سفارت کي دجاپان دامپراطوري داویایمي کلیزي دلمانځني مراسم چي ددسامبر دمیاشتي له درویشتمي نیټي سره سمون لري لغوه کړي دي

مجاهد
ارگانِ نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چار راهی زنبق
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
همراه: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ / دجیتال: ۲۱۰۲۲۲۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

چرا این همه تعویق در کار تدویر لویه جرگه؟!

به گزارش منابع آگاه، کارتدویر لویه جرگهٔ قانون اساسی بنابر ملاحظات مقامات دولت انتقالی اسلامی افغانستان، یک روز دیگر به تعویق انداخته شد که به این ترتیب نخستین اجلاس لویه جرگه به روز یکشنبه۲۳ قوس دایر خواهد شد.

این بار چندم است که تدویر لویه جرگهٔ قانون اساسی به تعویق انداخته می شود ومنابع دولتی دقیقاً نمی گویند که چه موارد معقولی برای توجیه چنین اقدامات وجود دارد.

مردم حق دارند تا در جریان دقیق حوادث و وقایع قرار گیرند وعدم قراردادن مردم در روشنایی واقعیت ها می تواند موجب بروز تردید وسوء ظن هایی نسبت به چنین اقدامات شود.

نمایندگان محترم مردم نیز از خود خواهند پرسید که این همه بلاتکلیفی چرا؟

ازهمین حالا شایعاتی پخش گردیده است که عده ای بنا برتشویش ها ودلهره هایی که نسبت به موضع گیری های احتمالی وکلای مردم، نزدشان ایجاد شده است، تعویق در کارتدویر لویه جرگهٔ قانون اساسی را به مثابهٔ کسب فرصت بیشتر به نفع خود دانسته وجبراً آن را تحمیل می کنند.

امر مسلم این است که باید به نمایندگان مردم فرصت کافی ولازم بدون ضیاع وقت مساعد گردد تا در مورد سرنوشت خود، نسل های بعدی وکشورشان تصمیم لازم اتخاذ نمایند ونماینده های مردم نیز بدون تردید از این مسوولیت بزرگ دینی ووطنی خود به خوبی آگاه اند ونیک می دانند که هرگونه تعلل وسهل انگاری وسطحی نگری نسبت به قانون اساسی می تواند کشورعزیز ومردم مسلمان ما را که باید در این فرصت پدید آمده گامی به سوی مردم سالاری بردارند، باردیگر در پرتگاهی از بدبختی وسیه روزی فرو اندازد.

هرباری که تدویر لویه جرگه به تعویق انداخته می شود، اضطرابی تازه ایجاد می کند وموجی از شایعات را باخود به ارمغان می آورد وبسیاری از عملکردهای دیگر دولتمردان را نیز مورد سوء ظن قرار می دهد.

از پیش هم چنین شایعاتی وجود داشت که دولتمردان برای تصویب مواد مورد نظر خویش در قانون اساسی زمینه سازی می کنند وحتی تحلیلگران و ناظرین اوضاع افغانستان، چنین چیزی را به منابع اطلاعاتی اظهار نموده اند.

آیا به تعویق انداختن کار تدویر لویه جرگه به معنای تأیید وپخته شدن همان گونه تحلیل ها نمی تواند باشد؟

تصویب قانون اساسی موضوعی نیست که نسبت به آن با دید سطحی برخورد شود، از هرلحظه ودقیقهٔ پدید آمده باید استفادهٔ اعظمی صورت بگیرد ونباید هیچ کسی زمینه سازی کند تا مردم را از اتخاذ تصمیم نسبت به سرنوشت خود شان باز بدارد.

مسودهٔ قانون اساسی، دیدگاه ها و نظریات

با فشاری رئیس دولت بر نظام ریاستی، دموکراسی را نفی می کند

کابلی والا

چندی قبل از طریق رسانه های جمعی آقای کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان گفت که اگر تصویب قانون اساسی در لویه جرگه به نفع نظام ریاستی نباشد؛ او از کاندیدای خود صرف نظر خواهد کرد. وی علاوه کرد که داشتن پارلمان از ضروریات محسوس در شرایط کنونی نیست؛ زیرا افغانستان بیشتر به یک قدرت مرکزی وابسته به نظام ریاستی نیازمند است.

اگر چنین پنداشتی با تأکید قبلاً پلان شدهٔ وی مطمح نظر بوده، چه ضرورتی برای تدویر لویه جرگهٔ قانون اساسی محسوس است.

نفی دموکراسی توسط آقای کرزی از اینجا ناشی می شود که او قبل از تدویر لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی می خواهد موضع گیری یکجانبه اش را بااعمال نفوذ بالای نماینده گان لویه جرگه تحمیل کند؛ درحالی که برای او شایسته نیست که منحیث رئیس دولت، پنداشتهای فردی اش را بر آرزوها وامیال جمعی بقبولاند.

آقای کرزی با ابراز نظر واعمال اینگونه پنداشت(باتوجه به آنکه خودش را یکی از حامیان دموکراسی می داند) در ضدیت بادموکراسی وارزشهای جامعهٔ آزاد عمل می کند واصلاً به نفی دموکراسی می پردازد.

یکی از مواردی که در اصول دموکراسی وبحث جامعهٔ آزاد مطرح است؛ ارزش گزاردن وتوجه به آرای عامه است. در جوامع مبتنی برارزشهای مردم سالاری، آرای عامه برمبنای ضرورت حاد سیاسی- اجتماعی شکل می گیرد؛ واین شکل گیری مبتنی براصول آزاد وتفکر سالم است. ارزش دموکراسی وقتی می تواند به عنوان عنصر نهادینه در یک جامعه شکل بگیرد که هیچ گونه اعمال نفوذ غیر مشروع، از جانب سیاست گزاران وقدرتمندان صورت نگیرد..

این اظهار نظررئیس دولت، پیش از تدویر لویه جرگه ونتایج به دست آمده از آن، در واقعیت مخالف توجه به آرای عامه وارزشهای دموکراسی است.

اگر آقای کرزی ضرورت پارلمان را از نظر فردی درجو فعلی جامعهٔ سیاسی منتفی می داند، نباید در مورد ضرورت نظام ریاستی وحضور آن در سطح کشور ابراز نظر کند. او باید در لابلای اظهار نظریاتش قبل از تدویر لویه جرگهٔ قانون اساسی، به عنوان فرد، فرضیهٔ شخصی خود را ارایه می کرد نه آنکه به صراحت بگوید که ضرورت داشتن پارلمان وتقسیم قدرت در فضای فعلی به نفع افغانستان نیست؛ زیرا مردم افغانستان پس از پشت سرگذاردن ۲۳سال تنش، خواهان حضور گسترده به خاطر تصمیم گیری جهت سرنوشت جمعی خود هستند؛ واین نیاز ومأمول زمانی می تواند، راهبرد عملی داشته باشد که مردم باانتخاب نمایندگان خود به گونهٔ واقعاً آزاد، بتوانند در تصمیم گیری های سیاسی وسرنوشت ساز خود شرکت نمایند.

انحصار قدرت زیر شعار حاکمیت مرکزی ونظام ریاستی که آقای کرزی آن را در فضای کنونی به نفع مردم افغانستان می داند، چیزی جز گسترش دکتاتوری وبه نحوی استبداد مطلق نیست. نظام ریاستی وعدم توجه به آرای مردم یک پارادوکس سیاسی در عمل است. یعنی این دو رویه بودن نظام ریاستی، اصلاً توهین به ارزشهای دموکراسی وقوانین اسلامیست.

باتوجه به تأکید مردم جهت حضور فعال شان در ساختار دولت، باید به خود آنان فرصت داده شود تاتصمیم اتخاذ بدارند ونباید کوشش کرد تا نظریات خود را برعامهٔ مردم تحمیل کرد.

بمباردهای اشتباه آمیز و...

در پی بروز حادثهٔ غزنی، دولت انتقالی به گروهی از ماموران و وزرای مشاور وظیفه سپرد تا به محل حادثه رفته وباانجام تحقیقات کمک هایی را به اهالی زیان دیده توزیع نمایند.

باادامه یافتن سلسلهٔ بمباردهای اشتباه آمیز به نظر می رسد که اگر دولت انتقالی ونیروهای کمک بین المللی به ویژه ایالات متحده در مورد اجرای عملیات از دقت کار نگیرد و مسؤولانه ودلسوزانه اقدام نکنند، تیم های بیشتری از وزرای مشاور باید آماده باشند تا به مناطق مختلف که قرار است آسیب ببینند، اعزام گردند وگویا مکلفیت دولت انتقالی در همین حد خلاصه می شود.

پرسشی مطرح می شود که چرا به چند ملای طالب این همه ارزش داده می شود، در حالی که ملاهای دیگرشان مانند مولوی صدراعظم درپاکستان آزادانه گشت وگذار می کند وحتی سخنگویان طالب به تدویر کنفرانس های مطبوعاتی می پردازند.

اگر قرار باشد که برای کشته شدن خیالی هر ملاوزیر وملاجیلانی وملابرادر، از۶ تا ۹کودک افغانی به قتل برسند، بالآخره کار به کجا خواهد رسید؟

به تعقیب کشته شدن یک خانم مدد رسان فرانسوی در غزنی، جامعهٔ جهانی هیاهو برپا کرد وحتی سازمان ملل در گزارش خود افغانستان را کشوری ناامن ونقطهٔ قابل تشویش نام گذاشت، اما وقتی۱۶ کودک ودومرد افغانستانی به شهادت می رسند، فقط به معذرت خواهی های تشریفاتی اکتفا صورت می گیرد. باآن که اقدام آقای خلیلزاد در مورد معذرت خواستن از حادثهٔ بمباردمان اشتباهی می تواند مسؤولانه تلقی گردد، اما چه باید کرد که این سلسله قطع گردد؟

چرا به گزارش های جعلی در مورد محل سکونت این وآن ملا های طالب این همه ارزش داده می شود؟

چرا نیروهای کمک به امنیت درهماهنگی کامل باوزارت دفاع افغانستان کار نمی کنند؟

چرا اقداماتی انجام داده می شود که نزد مردم نسبت به پروسهٔ خلع سلاح وملکی سازی سوء ظن هایی را ایجاد می کند؟

چرا وقتی در شیرپور یکی دونفر زخمی می شوند، حادثهٔ توزیع زمین آن همه بزرگ ساخته می شود وده ها سازمان دفاع از حقوق بشر برای مقاصد سیاسی اعلامیه پخش می کنند وگزارش ترتیب می دهند، ولی در مورد کشته شدن ۱۶کودک خاموش می مانند؟

بالآخره استفادهٔ ابزاری از حقوق بشر تاچه وقت ادامه خواهد یافت؟

وآیا دیگر زمان آن فرا نرسیده است که برای جلوگیری از چنین اشتباهاتی مسؤولانه اندیشیده شود. زیرا ادامهٔ این گونه حوادث می تواند نقش نیروهای تأمین صلح وامنیت را که برای حفاظت مردم افغانستان آمده اند، مورد سوال قرار دهد واین چیزی است که برای افغانستان وجامعهٔ جهانی بسیار گران تمام می شود.



تاریخ معاصر افغانستان

در یاد داشت های وزیر دربار شاه ایران

محمد ظاهر شاه در تبعید ۸



ترتیب و توضیح از وحید مژده

خبر سفر بلقیس و شاه محمود چگونه به داود خان رسید؟

پنجشنبه ۵۳/۳/۱۶

...(شاه) فرمودند، بسیار خوب کردی که جواب سفیر افغانستان را درست و با صراحت گفتی. ولی خبر آمدن بلقیس را قطعا روسها به افغانها اطلاع داده اند وگرنه تصور نمی شود از دربار کسی به سفارت افغانستان تلفن کند که والاحضرت بلقیس اینجاست(چون سفیرمی گفت از دربار شما شخص ناشناسی به من تلفن کرد که والاحضرت این جاست و بعد هم من از دولتشاهی پرسیدم، چون او گفت نیست، من هم به داود نوشتم که خبر دروغ است آنهم از قول وزیر دربار!).

مخالفین ایران درکنار داود خان

سه شنبه ۵۳/۹/۱۹

امروز سفیر افغانستان را دیدم به تفصیل صحبت کردیم که در جریان شرفیابی فردا جریان آنرا می نویسم، انشالله.

چهارشنبه ۵۳/۹/۲۰

... مطالب سفیر افغانستان را به تفصیل عرض کردم.

(سفیر گفت) اشخاصی هستند که می خواهند میان ایران و افغانستان بهم بزنند. جای تعجب شد. پرسیدم خارجی ها را می گوئید؟ گفت خیر افغانها را می گویم. وحید عبدالله معاون وزارت خارجهء افغانستان وقتی من به کابل وارد شدم به من خبر داده بود که بهتر است سفیر جدید ایران حسین داودی به کابل نیاید و کس دیگری را انتخاب کنند. من(سفیر- زلمی محمود غازی) پیش رییس جمهور رفتم و به او گفتم این چه کاری است؟ آیا فکر کرده اید چه می کنید که فرستادهء مخصوص شاهنشاه را پس از قبول اگرمان رد می کنید؟ و او فوق العاده عصبانی شد و دستور داد وحید عبدالله آمد و به او فحش داد و من راحت شدم.

فهمیدم که می خواهد منت بگذارد. گفتم احیانا از سفیر ما چه چه عیبی گرفته اند؟ گفت قبلا وزیر نبوده! اینهم عقده است. چه باید کرد؟

بعد شرح مفصلی از داخل افغانستان داد که وضع ناگوار است، منجمله در صفحات شمالی حاکمی رفته است که پستها را به مزایده می گذارد. آنوقت همگی هم در آنجا تلویزیون شوروی را می گیرند وما تلویزیون نداریم. من گفتم اصولا داود خان برای آینده چه فکر می کند؟ آیا با یک ارتشی که اکثریت افسران جوان تحصیل کردهء شوروی هستند چه می توانند بکنند؟اگر روزی دو تانک آمد و ایشان را مرخص کرد، همان کاری که خودشان کردند، تکلیف چیست؟ آیا تکیه گاهی در بین مردم و عشایر، حتی آخوند ها دارد؟ گفت خیر، چون پول ندارد. گفتم چرا از اعلیحضرت همایونی(منظور شاه ایران است) نمی گیرد؟ گفت وقتی آمد به شاهنشاه عرض می کند. گفتم ما عاشق چشم و ابروی داود خان نیستیم بخصوص با عملی که با شاه کرد. ولی فعلا ایشان برای ما از همه بهتر هستند، یعنی نمی دانیم بعد از ایشان چه خواهد شد. خیلی با توجه و احتیاط این مسائل را یادداشت کرد.

از او پرسیدم می خواهید اروپا بروید، توانستید از داود خان (پدر زنش هم هست) پول بگیرید؟ گفت یک چیزی گرفتیم. گفتم هرچه پول بخواهید من به شما چک سفید می دهم. خیلی خوشحال شد. **شاهنشاه همه مطالب را بدقت گوش کردند.**

فرمودند خیلی خوب جلسه ای داشتید. بعد هم اینها کم کم باید بدانند که نوکر ما هستند...

پنجشنبه ۵۴/۷/۲۴

... بعد صحبت پادشاه افغانستان پیش آمد. ماهانه ده هزار دلار به او مرحمت می فرمایند. بعلاوه برای خود و دخترش دو منزل در رم خریدیم. ماهی دو هزار دلار هم به دخترش مرحمت می کنند. تلگرافی مبنی بر تشکر از تلگراف عید تولدش توسط شاهنشاه، بعرض مبارک رسانده بود. فرمودند خوب این بیچاره را هم که اداره می کنیم.

عرض کردم خیلی شکرگزار است به خصوص که داماد او ولیخان هم آزاد شد و آن را از چشم اعلیحضرت همایونی می بینند. فرمودند ما به هر صورت، هم به این کمک کردیم و می کنیم و هم داود خان را تقویت می کنیم. چون غیر از این راهی نیست و کار ما صحیح و بدون غل و غش است. عرض کردم فکر می کنم هردو طرف(قدردانی)appreciate بکنند.

سردار عبدالولی بعد از آزادی از زندان داود خان به ایتالیا رفت و با خانوادهء خویش ملحق شد. او نامه ای حاکی از تشکر به زبان فرانسوی به علم نوشت و از اینکه او در شرایط بسیار دشوار به کمک خانوادهء سلطنتی افغانستان پرداخت از او و از طریق وی از شاه ایران تشکر کرد.

لحن نامهء سردار گذشته از اینکه ابراز تشکر و امتنان است، اشاره به این دارد که دوستی و محبت بالاتر و پر ارج تر از رابطهء خویشاوندی است. او در این نامه شعری نیز به دری نوشته بود:

در خرمن کاینات چو کردم نگاه
یک دانه محبت است و باقی همه کاه

علم در جواب نامه سردار عبدالی نامه ای نوشت که برخی از مطالب آن چنین بود:

از صدای سخن دوست ندیدم خوشتر
یادگاری که براین گنبد دوار بماند

وصول نامهء نازنین بمن خوشحالی فوق العاده بخشید بخصوص که کاملا احساس کردم با قدرت و شجاعت به استقبال زندگی و پیش آمد های آن شتافته اید.

... وصول خط عزیز شما یکی از خوشترین پیش آمد های زندگی من بود زیرا ندا و صدای دوست عزیزی بود که مدتی فکر ما را بخود مشغول داشته و از آیندهء او نگران بودیم. آن مشکل بزرگ که همهء ما را به سختی رنج می داد از جلو برداشته شده و امیدوارم به سلامتی وجود مبارک در خدمت اعلیحضرت محمد ظاهر شاه و خانوادهء محترم بگذرانید. خانم علم و خودم حضور والاحضرت بلقیس همسر محترمه سلام تقدیم می کنم و شاهزاده خانم کوچولو را (منظور دختر کوچک سردار است) که اکنون خانم بزرگی شده قلبا می بوسم

استاد خلیل الله خلیلی نیز پایان

کار داود را پیشبینی می کرد

استاد خلیلی شاعر نام آور افغانستان در آن زمان سفیر کبیر افغانستان در بغداد بود. او نیز می دانست که سرانجام کمونیست ها داود را سرنگون خواهند کرد. او نیز یگانه راه را در این دید تا با شاه ایران در ارتباط گردیده و در مورد آیندهء تاریک افغانستان با او سخن بگوید.

عجیب است که همه فرجام مصیبت باری را برای افغانستان پیشبینی می کردند جز خود سردار محمد داود.

شنبه ۵۴/۱۲/۲

تلگراف عجیبی از (حسین شهید زاده) سفیر شاهنشاه در بغداد رسیده بود ... فرمودند: توکه نمیتوانی به کرمانشاه بروی، او میتواند محرمانه از کرمانشاه تا حدود کرج بیاید و تورا ببیند.

کشف تلگراف رمز سفارت شاهنشاهی ایران- بغداد

جناب آقای امیر اسد الله علم وزیر دربار شاهنشاهی

محترما با استحضار عالی می رساند شب گذشته استاد خلیل الله خلیلی سفیر افغانستان در بغداد به دیدار اینجانب آمد صحبت از وضع افغانستان و موقعیت رژیم فعلی پیش آمد سفیر افغانستان با لحنی که حاکی از کمال تاثر بود اظهار داشت متاسفانه آیندهء افغانستان بسیار تاریک و نگران کننده است و اگر دیر یا زود پای سردار داود خان از میان برود هیچ شکی نیست که کشور به چنگ عناصر کمونیست خواهد افتاد و کار یکسره خواهد شد. گفت یگانه راه نجات افغانستان در دست اعلیحضرت شاهنشاه ایران است مردم وطن پرست و شاهدوست افغانستان چشم بکمک و یاری شاهنشاه ایران که او را شاهنشاه خود می دانند دوخته اند. سفیر افغانستان کرارا در میان صحبت شاهنشاه ایران را پادشاه و مخدوم خود خواند و گویا شخصا بشرفعرض مبارک ملوکانه رسانیده است که اگر روزی کابل و قندهار وضعی شبیه سمرقند و بخارا پیدا کند وضع مشهد و بجنورد چگونه خواهد بود. گفت آیندهء افغانستان و ایران و سایر کشور های منطقه به این وابستگی دارد و یگانه کسیکه می تواند آیندهء این منطقه بخصوص افغانستان را از هم اکنون براه راست رهبری کند و از سقوط آن جلوگیری بعمل آورد فقط و فقط شهریار معظم ایران است. گفت چه بسا سردار داود خان هم در باطن خود بی میل نباشد که در افغانستان وضع دگرگون شود و رژیم پادشاهی در آن مجددا مستقر شود زیرا او ندانسته پا در راهی گذاشته که مشکلی بزرگ برای خود و میهن بیار آورده است. گفت این مطلب را صریحا موقعیکه داود خان به بغداد آمده به او گفته است لیکن او جوابی نداشته تا به او بدهد. سفیر افغانستان طی صحبت چند بار با عبارات مختلف این نکته را بازگو کرد که با از بین رفتن داود خان و سقوط افغانستان در دامان کمونیزم تمام منطقه در خطر خواهد افتاد و از همین اکنون باید به فکر چاره بود داود خان زندگی جاویدان ندارد و عناصر مفسده جو مترصد از بین رفتن او هستند. برای آگاهی مزید باستحضار عالی می رساند چون ظرف ای دو ماهه این دومین بار بود که سفیر افغانستان بدیدن اینجانب آمد و این مطلب را اظهار می داشت برای انجانب یقین حاصل شد که مایل است موضوع به شرف عرض مبارک ملوکانه رسانیده شود لذا متغیر مستقیم جویای نظر او در بارهء گزارش اظهاراتش به تهران شدم با قید قسم از اینجانب خواست که عرایضش بطور مستقیم یا تنها بوسیلهء جنابعالی بشرفعرض مبارک شاهنشاه رسانیده شود و احدی غیر از آن اطلاع پیدا نکند. گفت ظرف ده روز آینده قصد مسافرت به کرمانشاه را دارد اگر فرصتی فراهم شد که میتوانست جنابعالی را ملاقات نماید نتیجهء مطلوب حاصل می شد. گفت در نامه ای که جنابعالی برای او مرقوم داشته اید اشاره فرموده اید که در سفر قبلی او به ایران اگر از پیش میدانستیم که او کجا می آید ممکن بود ترتیب ملاقاتی فراهم می شد. بهرحال استنباط اینجانب اینست که بسیار مایل است در محلی غیر از تهران توفیق زیارت جنابعالی را پیدا نماید. چون معتقد است آمدن او به تهران و شرفیابی به پیشگاه مبارک شاهنشاه ممکن است تغییراتی در افغانستان ببار آورد. مطلبی که سفیر افغانستان ضمن صحبت دانسته یا نادانسته بآن اشاره کرد بنظر اینجانب شایان کمال توجه است آن بود که گفت هم اکنون هر روز تعداد زیادی از افاغنه جهت پیدا کردن کر و امرار معاش بصورت های مختلف به ایران می آیند و اینها مترصد آن هستند که کسانی با آنها تماس پیدا کرده آنها را متشکل نمایند تا احیانا مسائلی را علیه حکومت فعلی افغانستان بوجود آورند ترس او از این است که اگر به تهران بیاید چنین شبهه ای در بارهء او پیدا شود. بدیهی است که در این گفته تعبیراتی موجود است که شاید لازم باشد از لحاظ عواقب سوئی که احتمالا ممکن است ببار آورد بطور مجدانه مورد توجه اولیای امور واقع شود.

باعرض ارادت - شهید زاده

۲۸۸۰- ۵۴/۱۱/۲۷

جواب شاه ایران

گزارش سفیر ایران در بغداد از نظر شاه ایران گذشت. سپس تلگراف رمزی به امضای علم به شهید زاده به شرح زیر ارسال شد.

دوست عزیزم آقای شهید زاده سفیر محترم شاهنشاه آریا مهر در بغداد، ۲۸۸۰ ، عینا از شرف عرض مبارک گذشت. خواهشمندم از قول من به ایشان بفرمائید اگر منظور اطلاع دادن از جریانات محلی است که ما به اندازهء کافی اطلاعات داریم. ولی اگر منظور دادن پیشنهاد است یا ارائهء راه عملی وغیره، دراین صورت ممکن است فکری بشود. وزیر دربار شاهنشاه، اسد الله علم.

سفیر افغانستان هم از آینده کشور نگران بود

سه شنبه ۵۴/۱۱/۲۸

امروز صبح تمام به کار های جاری رسیدم منجمله سفیر افغانستان را دیدم. بی نهایت از وضع داخل افغانستان نگران بود. بخصوص که گویا داود خان درد کمر شدیدی پیدا کرده است که بیم سل استخوان می رود. تقاضا داشت به خواهرش هم که از پسر پادشاه طلاق می گیرد، کار بدهیم. از وضع پادشاه در رم حکایت می کرد که ملکهء سابق خیلی او را ناراحت و دایما قهر و از منزل فرار می کند. می گفت همین اعمال ملکه در کابل هم شاه را از کار های اساسی بازداشته بود. البته سفیر افغانستان از کمک هنگفتی که ما به همه خاندان سلطنتی می کنیم اطلاع ندارد.

سخنان زلمی محمود غازی در مورد ملکهء سابق مبالغه آمیز است. البته شکی نیست که ناملایمات دوران دوری از وطن تاثیرات روانی خاص خود را داشته است اما اینکه یکی از اعضای خانواده که در عین حال دیپلومات کشورش نیز است به چنین لحنی از عضو دیگری از خانوادهء خود سخن بگوید، کار درستی بنظر نمی آید.

در مورد زلمی محمود غازی این نکته را هم باید تذکر داد که اسنادی در وزارت خارجهء افغانستان وجود دارد که نشان می دهد او از دارائی سفارت افغانستان در تهران اختلاس نموده بود. جریان از این قرار بود که شاه ایران در یکی از بهترین مناطق شهر تهران زمینی را برای تعمیر سفارت افغانستان اختصاص داد و سفارت سند ملکیت آنرا نیز بدست آورد. مدتی بعد زلمی محمود غازی این زمین را به قیمت بسیار گران به فروش رسانید. داود خان او را از سفارت عزل نمود و به کابل احضار کرد ولی او به کابل نیامد.

زلمی محمود غازی بعدا از همسرش (دختر داود خان) نیز جدا شد.

× × ×

در اینجا در خاطرات امیر اسدالله علم آنچه در مورد افغانستان بود به پایان می رسد. بیماری سرطان خون در سال ۱۳۵۶ او را از پا درآورد. او در آخرین روز های حیات خویش نامه ای به شاه ایران نوشت و از خطری که تاج و تخت او را تهدید می کرد به وی هوشدار داد اما شاه به آن توجهی نکرد. درست همانگونه که شاه افغانستان و نیز داود خان به چنین هوشدار ها از جانب اطرافیان خود بی توجه بودند. آیا سرنوشت محتوم همه دولتمردان بی توجه به رای ملت چنین است؟

وقتی زمامداران از مردم جدا میشوند و ومسیر های تماس با ملت نیز توسط مشتی افراد متملق و چاپلوس کنترول می شود، باید در انتظار چنین سرنوشتی باشند. شاه ایران نیز به همین سرنوشت گرفتار آمد.

پایان

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال دوم شماره هشتم شنبه ۲۲ قوس ۱۳۸۲ ۱۹ شوال المکرم ۱۴۲٤ - 13 December 2003

مسودۀ قانون اساسی، دیدگاه ها و نظریات

صدیق چکری:

جلسات لویه جرگه به شکل مستقل، آزاد، به دور از تأثیر زورمندان انعقاد یابد

محمد صدیق چکری یکتن از فعالین جمعیت اسلامی افغانستان ضمن صحبت به خبرنگار جریدۀ مجاهد. در رابطه باتدویر لویه جرگه ودر خطاب به نماینده های منتخب مردم اظهار داشته گفت:

تامین عدالت اجتماعی، حفظ هویت ملی، حفظ وحدت ملی وتمامیت ارضی کشور از آرمان های دیریتۀ مردم متدین این سرزمین است. انعقاد جلسات لویه جرگه به شکل مستقل، آزاد از بدور از تاثیر زورمندان وزر داران یکی از مسایل مبرم است که در راه تحقق آن باید مبارزه کرد. ناگفته نباید گذاشت که برداشت من از روحیهٔ اعضای لویه جرگهٔ تصویب قانون اساسی این است که دیگر مردم آگاه شده اند وفریب وعده های غیر عملی سیاست مداران را نخواهند خورد وهمه را تصمیم برآن است که حقوق حقهٔ خود را به هرقیمت که باشد به دست خواهند آورد و در این راستا پشتون، تاجک، ازبک، هزاره، بلوچی وپشه یی همه متحدانه عمل خواهند کرد. زیرا قاطبهٔ مردم ما همه افراد واشخاص را تجربه نموده اند.



نمایندگان منتخب ملت ما دیگر این فرصت طلایی را به هیچ وجه از دست نخواهند داد و در راه تثبیت وتصویب آن موادی که حیثیت، دین، کلتور وفرهنگ ما را زیر سوال می برد، مجدانه مبارزه خواهند کرد وبدون به دست آوردن اهداف فوق الذکر لویه جرگه را قطعاً ترک نخواهند نمود از به میان آوردن یک حکومت سنترالیزم ویا ریاستی که همیشه مبدل به یک سیستم استبدادی گردیده جلوگیری خواهند کرد. دیگر هیچ گاه اجازه نخواهند داد که تحت نام دموکراسی وغیره از احساسات وعواطف پاک مردم نجیب افغانستان سوء استفاده صورت گیرد. هرعنوانی که حقوق حقهٔ مردم ما را در روشنایی دین مقدس اسلام وفرهنگ ملی تامین می کند مورد تأیید خواهد بود. ملت ما همه جریانات را تجربه نموده اند واز این به بعد تصمیم گرفته اند که باکمال متانت به سوی مفاهمهٔ ملی، مصالحه ملی، یک جهتی ملی ومصالح علیای کشور متحدانه وبدون خوف وهراس حرکت خواهند کرد از آنجاییکه قانون اساسی یک وثیقه ملی است به نمایندگان مردم لازم است که در قسمت تصویب هرمادهٔ آن از هوشیاری. حیاط ووحدت نظر کار خواهد گرفت.

انتصاب پنجاه عضو وپراگنده ساختن...

وقضا وهمچنان روسای جمهور بازنشسته وشخصیت های منتخب کشور باید حضور داشته باشند.

۶- شورای عالی دادگاه قضائی در کشور باید بارای اکثریت اعضای پارلمان انتخاب شوند واین شورا رئیس خود را از میان خود برگزینند.

۷- برای تامین وحدت ملی باید زمینه های هرگونه برتری جویی قومی، زبانی ونژادی از میان برداشته شود وقانون اساسی برای تحقق آن احکام ودساتیر صریح وشفاف عملی داشته باشد. وحدت ملی باتامین حقوق دیگران ورعایت عملی تمام زمینه های برابری حقوق وامتیازات سیاسی. فرهنگی. اقتصادی واجتماعی ممکن می گردد. باحذف سایر اقوام وبی توجهی به سرنوشت آنان یامحروم ساختن اقلیت ها از حقوق مشروع آنان وحدت ملی قابل دسترس نیست.

اگر این حقوق درقانون اساسی رعایت نشود. موانع ودسواری هایی به وجود خواهد آمد که آب به اسیاب دشمنان این وطن خواهد ریخت.

۸- خلع سلاح نباید چنان عاقبت نااندیشانه صورت بگیرد که ملت هنگام مواجه شدن باتجاوز خارجی در خلای حضور ارتش ملی دست خالی بماند.

این درحالی است که هنوز خطر حملات وتجاوز وجود دارد واردوی ملی نیز تشکیل نشده. بنا برآن سلاح باید در محلات وتحت نظارت وزارت دفاع جمع آوری گردد تامردم این اطمینان را داشته باشند که هنگام ضرورت امکان دفاع وطرد تجاوز در اختیار آنان قرار خواهد گرفت.

۹- حقوق بشر ورعایت حقوق زنان باید از اولویت برخوردار باشد ودولت باید سازمان های مستقل حقوق بشر را مورد حمایت قرار دهد وشرایطی مساعد گردد تاحق کار، تامین معیشت. حق مسکن. حق زنده گی. آزادی بیان وآزادی فعالیت سیاسی براساس قانون تضمین گردد.

۱۰- رئیس دولت نباید حق انتصاب ۵۰تن را داشته باشد، از شهر سه میلیونی کابل ۳۲ نماینده بر اساسی رای مردم انتخاب شده اند اما رئیس جمهور پنجاه تن را انتصاب می کند. در صورت انتصاب این عده، آنها نباید حق رای داشته باشندوصرفاً به حیث مشاور کار کنند.

> **برای تأمین وحدت ملی باید زمینه های هرگونه برتری جویی قومی، زبانی ونژادی از میان برداشته شود وقانون اساسی برای تحقق آن احکام ودساتیر صریح وشفاف عملی داشته باشد.**

۱۱- تابعیت دوگانه در قانون اساسی باید موارد روشن داشته باشد وقید شود که رئیس جمهور. صدر اعظم، وزراء دادستان کل (لوی سارنوال) اعضای شورای عالی قضا. رئیس بانک مرکزی. منسوبین عالی رتبهٔ قوای مسلح، سفیران وهیات رهبری شورای ملی حق ندارند همسر خارجی داشته باشند وصاحب تابعیت دوگانه باشند واین افراد باید از والدین افغانستانی تولد شده باشند.

۱۲- کشور ما برای ورود به سیستم بازار آزاد ظرفیت ومهارت وامکانات لازم را ندارد. ایجاب می کند اقتصاد مختلط مورد نظر باشد. تا افغانستان از افتادن در کام بهره برداری کمپنی های بزرگ مصؤون بماند ودولت بتواند نظارت برامور تجاری وبازار را حفظ کند.

۱۳- اعضای موجود شورای نمایندگان مردم در اجلاس عالی (لویه جرگه) بعد از تصویب قانون اساسی باید به حیث پارلمان کشور در مرکز باقی بمانند، زیرا از هرگونه مشروعیت لازم برخوردار اند. تجربه ثابت ساخت که پراگنده ساختن اجلاس قبلی نمایندگان مردم وعدم تشکیل پارلمان. تا می توانست بر اعمال دولت نظارت وکنترول داشته باشد. یک نقیصهٔ بزرگ برجا گذاشت.

۱۴- تحصیلات تاسطح عالی باید رایگان باشد تافرزندان تمام اقشار جامعه بتوانند در جهت کسب علم ودانش از خدمات دولتی مستفید گردند. نباید کسب علم در انحصار، اقشار وطبقات ثروتمند قرار داده شود.

۱۵- دولت باید خدمات صحی رایگان را برای مردم عرضه نماید تاطبقات مستمند جامعه بتوانند از حق صحت بهره مند باشد.

۱۶- از دولت انتقالی، سازمان ملل وتمام طرفهای دوست در افغانستان مطالبه می کنیم تا از مداخله در امور شورا خود داری نمایند. تاجلو هر گونه اعمال نفوذ برکار تصویب قانون اساسی گرفته شود.

در پایان خبرنگاران مراجع ملی وبین المللی پرسش هایی را مطرح نمودند. اما آقای منصور گفت که چون همه وکلا هم نظرانند بناء سوال ها باید از وکلای محترم مطرح گردد.

بعداً نمایندگان شهرکابل به ترتیب پاسخ هایی ارایه نمودند وتاکید کردند که آن ها در لویه جرگه قانون اساسی از مردم نمایندگی می کنند نه از احزاب.